



نوآوری در معماری مساجد در دوره سلجوقی باتکیه بر شیوه های بکار رفته

در مسجد جامع اردستان

زهرا چراغی ، قاسم اکبرپور^۱

دانشجوی کارشناسی باستان شناسی دانشگاه بیرجند

دانشجوی کارشناسی باستان شناسی دانشگاه بیرجند

چکیده

تا قبل از سال ۱۹۳۰ میلادی، به ندرت معماری سلجوقیان در ایران به عنوان سبکی مجزا به رسمیت شناخته می شد. از نظر توسعه هنرها به ویژه معماری، عهد سلجوقیان یکی از دوره های درخشان هنری است. مساجد به عنوان جزء مهم در فضای شهری از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است. با ورود اسلام و برپایی مساجد در ایران معماران اسلامی در هر دوره سعی کرده اند تا با بهره گیری از مهارت های معماران گذشته و ابداع فنون و روش های جدید مساجد را با باشکوه و در عین حال با حفظ فضای روحانیت و معنویت بسازند. در دوره سلجوقی تغییراتی در پلان، شیوه ساخت و تزیین مساجد روی می دهد، که بعضاً برای اولین بار از این دوره در معماری مساجد رایج می گردد. پژوهش حاضر بر این باور است که معماران ایرانی در عصر سلجوقی تمهیدات مهمی را در ساخت و تکمیل مساجد بکار برده اند، لذا تمهیدات و شگرد های معماری مساجد اردستان و زواره می تواند در شناخت این تمهیدات بسیار راهگشا باشد. نتایج حاصل از این پژوهش می تواند در شناخت ویژگی ها و اصول معماری اصیل ایرانی که در عصر سلجوقی توسط معماران ایرانی در معماری مساجد این دوره بکار گرفته شد موثر باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی و از جهت تحقیق و گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش کیفی بهره جسته است.

واژگان کلیدی: مساجد سلجوقی، مسجد جامع اردستان، مسجد زواره، معماران اسلامی

¹ www.gakbarpor@gmail.com



مقدمه

ایران در طول تاریخ اسلام همواره یکی از مراکز اصلی هنر اسلامی بوده است و معماری سلجوقی و ایلخانی از جمله غنی‌ترین زمینه‌های تجلی آن. از نظر توسعه هنرها به ویژه معماری، عهد سلجوقیان یکی از دوره‌های درخشان هنری است. معماری عهد سلجوقیان از استحکام و زیبایی خاصی برخوردار است. 1-ویژگی‌های معماری ایران در دوره اسلام: برخی از محققان نظیر پروفیسور ویلیبر معتقداند که اجرای هر طرح معماری به سه عنصر اجتماعی بستگی دارد. اول جامعه ای که به آن طرح نیازمند است؛ دوم شخص یا اشخاصی که از اجرای طرح حمایت می‌کنند و هزینه مالی آن را متعهد می‌شوند؛ سوم معمار یا استادکارانی که طرح را اجرا می‌کنند. جذابیت تحقیق و مطالعه معماری ایران در این است که دریابیم که چگونه این عوامل سه گانه بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و سرانجام به احداث بنایی منجر می‌شوند.

مطالعه درباره معماری ایران، نشان دهنده چگونگی گسترش آن در طی پانزده قرن گذشته است. در هر دوره بناهایی با ویژگی‌های گوناگون در روستاها، شهرها، جاده‌های کاروانی، مناطق کویری، گذرگاههای کوهستانی و شهرهای ساحلی ایجاد گردیده که کاربرد های متفاوت داشته اند. (کیانی، 1392: ۷)

2-مساجد: مساجد مهم‌ترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته‌اند. اقامه نماز جمعه، مراسم مذهبی، ایراد خطبه‌ها و تدریس در مساجد انجام می‌گرفت؛ زیرا مسجد بهترین مکان برای ابلاغ فرامین حکومت به مردم بود. کتیبه‌های باقیمانده بر دیوار بعضی از مساجد حاوی وقف مکان‌هایی برای توسعه و تعمیرات مساجد از طرف واقف یا حکمران است. (شیرازی 1380: 31)

اغلب مساجد در مرکز شهرها، یا نزدیک بازارها و محدوده دارالحکومه ساخته می‌شدند و اگر شهری به بیش از یک مسجد نیاز داشت، مساجد دیگری از طرف حکومت یا افراد خیر احداث می‌شد. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر شهری مسجد جامع یا آدینه نداشت، اهمیت شهری هم نداشت. در صدر اسلام مساجد نقشه‌های ساده ای داشتند، ولی در طول زمان با طرح‌های گوناگون و تزیینات مختلف، نقشه‌ها پیچیده شدند. (کیانی 1392: ۸) در نقشه مساجد، از قرن چهارم هجری دگرگونی‌هایی به وجود آمد و بر اساس آن مساجد متفاوت در شهرها احداث شد. مهم‌ترین نقشه‌هایی که در مساجد به کار گرفته شده، شامل یک ایوانی، دو ایوانی، چهار ایوانی، و ترکیب چهار طاق و ایوان بوده که معماران دوره اسلامی آنها را شیوه‌های معماری عهد اشکانی و ساسانی اقتباس کرده اند مثلا نقشه چهار ایوانی- در ساخت بسیاری از بناها- الهام گرفته از نقشه کاخ آشور، متعلق به زمان اشکانیان است. معماران دوره اسلامی مسجد را به شیوه‌های گوناگون می‌آراستند. در هر دوره یکی از عناصر تزیینی در آراستن مساجد متداول بوده است؛ در عهد ایلخانیان گچبری و در عهد تیموریان و صفویان کاشیکاری رواج بیشتری داشته است و در مواردی نیز تزیینات آجرکاری، گچبری و کاشیکاری با هم به کار گرفته می‌شد. (کیانی 1392: ۹)



روشهای ساخت و تزیین

به طور کلی آگاهی ما از نحوه ساخت، طراحی و سایر امور ساختمانی دوره اسلامی بسیار کم و محدود است. بدون شک ایجاد بناها، چه مجموعه‌های مذهبی و چه غیر مذهبی، مستلزم آگاهی از علومی چون هندسه، ریاضی و طراحی بوده است و استادکاران طی قرون متمادی با بهره گیری از این علوم، توانسته اند شاهکارهایی در هنر معماری به وجود آورند. متأسفانه در متون تاریخی دوره اسلام مطالب و تصاویر چندانی در مورد چگونگی ایجاد بناها به چشم نمی خورد (کیانی 1392: 23). معماران، استادکاران، بنایان و دیگر گروههای وابسته به علم معماری، با آگاهی کامل از فن معماری و با ابتکار و ابداعات خاص خود و رعایت کامل اصول هندسه و مهارت های سنتی و همچنین الهام از عقاید دینی فضای معماری ایران را شکوهی جاودانه بخشیدند. مسئولیت ساخت بنا نیز به عهده گروههای متعددی بوده است؛ مثلاً گروهی مسئول احداث ساختمان تا مرحله سفت کاری، و گروهی مسئول تزیینات بنا مانند آجرکاری گچبری و کاشیکاری بوده اند. همچنین بین استادکاران، سلسله مراتبی وجود داشته، مانند مهندس، معمار، بنا، سرکارگر، سنگ کار، گچکار، کاشیکار و کارگر ساده که هر یک مسئولیت خاص داشتند. لازم به یادآوری است که معماران ایرانی به علت فروتنی از ثبت کردن نام خود بر بنا خودداری می کردند؛ به همین علت جز تعدادی از بناها که نام معمار یا سازنده آن مشخص شده، بقیه فاقد نام استادکاران یا سازنده آن است. (همان: 23)

مصالح ساختمانی

مصالحی که در ایجاد بناهای دوره اسلامی به کار رفته متنوع است. آجر: مهمترین مصالح ساختمانی در ایران قبل و بعد از اسلام آجر بوده است. آجرهای به کار رفته در معماری عموماً مربع شکل است که در کارگاههای آجرپزی در سراسر ایران ساخته می شد. آجر علاوه بر استفاده در ساختن بدنه بنا برای تزیین آن نیز نقش مهمی داشت و در اوایل اسلام تا دوره تیموری تزیین بیشتر بناها با آجرکاری است. (کیانی، 1392: 25)

گچ: گچ از دیگر مصالح ساختمانی است که در تمام ادوار، در معماری استفاده شده است. از آنجایی که گچ مصالح ارزان قیمت بوده و زود سفت می شده است، کاربردهای متعدد داشته و مورد توجه معماران بوده است. گچبری برای آراستن سطوح داخلی بناها، نوشتن کتیبه‌ها، تزیین محرابها، زیر گنبدها و محراب ها به کار می رفته است. بسیاری از بناهای عصر سلجوقی و ایلخانی با گچبری تزیین شده‌اند. اهمیت گچبری در بناهای اسلامی به حدی بود که هنرمندان این رشته به «جصاص» معروف بودند و نام بسیاری از این هنرمندان در کتیبه های بناها به یادگار مانده است. علاوه براین، هنرمندان گچبر در قرن پنجم تا دهم هجری از شیوه های گوناگونی مانند گچبری رنگی، گچکاری وصله‌ای، گچکاری توپر و توخالی، گچبری مشبک و گچبری مسطح و برجسته استفاده کرده اند. (همان: 25)

کاشی: استفاده از کاشی برای تزیین و همچنین استحکام بخشیدن به بناها از دوره سلجوقی آغاز شد و در طی قرون متمادی بویژه در عهد تیموری و صفوی به اوج رسید. کاشی نقش عمده‌ای در تزیین بناهای دوره اسلامی داشت و با شیوه های متفاوت توسط هنرمندان کاشیکار به کار می رفت. استفاده از کاشیهای یکرنگ، کاشی هفت رنگ، کاشی معرق و تلفیق آجر و کاشی در دوره‌های سلجوقی، ایلخانی، تیموریو صفوی در تزیین بنا موسوم بوده و تا عصر حاضر ادامه یافته است. (همان، 26)



خشت : از دیگر مصالح ساختمانی معمول در معماری ایران خشت است. در دوره اسلامی یا تمامی بنا از خشت بوده یا بخشی از دیوارها از خشت و بقیه از آجر بوده است. از آنجایی که مقاومت خشت در برابر باد و باران و برف اندک است، بناهای خشتی زیادی از روزگاران گذشته باقی نمانده است. (همان، 26)

سنگ : در معماری اسلامی از سنگ برای کار در شالوده، بدنه، فرش کردن کف و تزیین بنا استفاده می شد

چوب. استفاده از چوب برای ساختن در، پنجره، صندوقهای ضریح، ستونها و تیر سقف و چهارچوب، از ویژگی های معماری اسلامی است که در ناحیه مازندران و گیلان رواج بیشتری داشته است. (کیانی، 1392: 27)

معماری ایران از صدر اسلام تا عصر سلجوقیان

در آغاز حکومت اسلامی احداث مساجد در مقایسه با سایر بناهای اسلامی اهمیت بیشتری داشت. مسجد جزء بزرگترین بناها در هر شهر و روستا بود؛ به طوری که بدون نشانی ویژه، خود به خودنگاه و توجه هر مسلمانی را به سوی خود جلب می کرد. در صدر اسلام مساجد علاوه بر اینکه محل انجام فرایض و اقامه نماز بود، نهادی سیاسی، اجتماعی، و اداری به شمار می رفت؛ مسجد تالار اجتماعات مسلمین، خانه مستمندان، اقامتگاه مسافران و کاروانیان، پناهگاه مظلومان، مکانی برای درس (سمعی، 1392: 39) و بحث طلاب و محل ایراد خطابه، ابلاغ فرامین سلاطین، اعلام جنگ و بسیج و اخذ مالیات بود و نقش مهمی در زندگی روزمره مسلمانان داشت. مساجد اولیه بناهایی بسیار ساده بودند، در محوطه های مربع یا مستطیل شکل و روبه قبله، با دیوارهای خشتی ساخته می شدند (مانند مساجد مدینه، کوفه و بصره). با مسدود کردن سه طرف آتشکده ها و چهارطاقی ها و ایجاد قبله گاه، از آنها برای بزرگاری آیین های مذهبی استفاده می کردند. گرچه در ایران از مساجد و بناهای اولیه اسلام نمونه های زیادی به جای نمانده ولی طبق متون تاریخی در دو قرن اولیه اسلام، سنت و شیوه معماری و نوع مصالح دوره ساسانی رواج داشته است (زمانی، 1390: 40).

معماری عصر سلجوقی

تا قبل از سال ۱۹۳۰ میلادی، به ندرت معماری سلجوقیان در ایران به عنوان سبکی مجزا به رسمیت شناخته می شد. امروزه، سلجوقیان بیش پنجاه اثر باستانی برجای گذاشته اند. (معماری ایران ص ۹۵) از نظر توسعه هنرها بویژه معماری، عهد سلجوقیان یکی از دوره های درخشان هنری است. همچنین عده ای از محققان بر این عقیده اند که در این دور صنایع گوناگون به شیوه گذشته ادامه و گسترش یافت. معماری عهد سلجوقیان از استحکام و زیبایی برخوردار است. گرچه حدود یک هزار سال از آن دوره می گذرد ولی بناهای باقیمانده از آن دوران نشان دهنده مهارت و استادی هنرمندان و استادکاران و آگاهی آنان از شیوه های مختلف معماری است (کیانی، 1392: ۵۴). هر اثری که کشف می شود گویای ارزش جدیدی در ابتکارات ساختاری است از جمله: گنبد های دوتایی، توپزه ها، طاقهای ضربی عریض و مناره های مرتفع. تزئینات ساختمانی آن دوره شامل: محرابهای گچبری شده، شبکه های اسلیمی گران قیمت می باشد و در تزئینات آجری تنوع بی پایان و ابتکار و قدرت مشاهده می شد. قدرت و عظمت معماری سلجوقیان امری کاملاً بدیع است و مسجد جامه اصفهان بهترین و گویاترین نمونه آن می باشد. این مسجد یکی از بزرگترین ساختمانهای جهان است. (کیانی، 1392: ۹۵).



علل رشد و توسعه معماری در دوره سلجوقی

شکوفایی هنرها در این دوره همچنین مدیون آرامش و ثبات سیاسی قلمرو سلجوقیان است که در آن هنرمندان توانستند آثار متعددی به وجود آورند. همچنین وجود وزیری دانشمند چون خواجه نظام الملک در دستگاه حکومتی سلجوقیان، باعث رونق صنایع و فنون شد. وی مدارس زیادی در شهرهای بغداد، نیشابور، مرو، ری، و جرجان تاسیس کرد و تقریباً از همین زمان بود که مدارس از مساجد جدا می شدند. مدارسی که در زمان صدرات خواجه نظام الملک به وجود آمد اغلب چهار ایوانی است. با گذشت ۶۰۰ سال از آغاز اسلام تا پایان عصر سلجوقیان، تحولات مهمی در جهان اسلام رخ داد. کشور ایران نیز در این فاصله یعنی تا آغاز قرن هفتم هجری از نظر سیاسی، اقتصادی و مذهبی دستخوش تحولات و دگرگونیهایی شد که بی شک در گسترش هنرها به ویژه معماری تاثیر بسزا داشت. (ورجاوند ۱۳۷۵: ۷۸ و ۸۲)

ویژگی های معماری سلجوقیان

نقشه

بناها اغلب چهار ایوانی و تزیینات مهم آنان آجرکاری، کاشی کاری و گچبری بود. همچنین ایجاد بناهای گوناگون مانند مساجد، مدارس، آرامگاهها و کاروانسراها توسعه پیدا کرد. ذکر این نکته ضروری است که بسیاری از محققان ویژگی معماری دوره خوارزمشاهیان را ادامه ی عصر سلجوقی دانسته، اختصاصات هنری این دوره را با عصر سلجوقی و گاهی هم با دوره ی ایلخانی همانند می دانند. بررسی سالهای اخیر نشان داده است که دوره خوارزمشاهی از نظر هنرهایی مانند فلزکاری، سفالگری، کاشیکاری و گچبری و ویژگی های معماری، سبک جدا گانه ایی داشته که با ویژگی های عصر سلجوقی و ایلخانی متفاوت بوده است. در تمامی مکتب های هنر اسلام، از همه نامشهور تر مکتبی است که منطبق با دوره ی خلافت بغداد می باشد به سختی می توان در این دوره سلجوقی که بر روی ویرانه های شهر خلفا ساخته شد، گوشه ایی از یادگاری این مکتب را مشاهده کرد. (طاهری ۱۳۷۵: ۸۵)

معماری ایران علیرغم ورود عنصر نژادی که طبقه قدرتمند نوپائی را شکل داد، در دوره سلجوقیان بدون وقفه ادامه یافت. بعضی از جنبه های معماری نیز همچنان پائید نظیر کاربرندی گنبد دو پوسته و بعضی از وجوه تزیینی معماری و شیوه ای ساختمان سازی؛ ولی بطور کلی پلانها و ویژگیهای ساختمانهایی که در آن روزگار برپا شد، گواينکه تا حدودی تحت تاثیر کرد و کارهای جدید و مختلف قرار گرفت، ولی اساسا ایرانی باقی ماند و از سنت باستانی ایران مایه گرفت، و بدان متکی شد. در این دوره معماری، چه مذهبی و چه انواع دیگر، مخصوصا در فاصله بین هجوم اعراب و ظهور سلجوقیان، البته به استثنای چند مسجد از نوع مسجد عربی (نظیر تاریخانه دامغان و مسجد نائین) از قوالب کهن همچون قوالب چهار طاق و یا آتشکده بهره گرفت. چهار طاق از دوره ساسانی اقتباس شد و دارای گنبدی بود متکی بر چهار ستون و متصل به قوسها؛ و این مسائل و وجوه مخصوصا در مناطق غربی به شیبستان یا گنبدخانه مساجد تبدیل شد. گفته شده که پارتیان از سرزمین مادری (۱۰) خود خراسان، ایوان را وارد بین النهرین کردند، چون در خراسان مساجدی ساخته شد که مرکب از یک ایوان حاوی محراب و صحنی با دیوار کوتاه بود نظیر آن مساجد کوچکی که گذار (۹۶۲م) در بامیان اکتشاف کرده است. اما در مناطق جنوبی بالا خانه های طاق دار همراه با یک گنبد مرکزی شبیه بنای ساسانی ایوان کرخه ترجیح داده می شد. ولی ترجیح نوع ویژه ایی از بنا محدود به مرزهای منطقه ی معین نبود؛ هنگامی که معماران عصر



سلجوقی به ساختمان های جدید احساس نیاز کردند، نمونه هایی از بناهای مذهبی اسلامی را کشف نمودند که از پلان های باستانی تبعیت کرده بودند. این معماران با اینکه از نظر طبقاتی و وظایف بین غالب و مغلوب با یکدیگر فرق داشتند (تشکیلات نظامی امپراطوری مختص فاتحین بود و دیوان سالاری مملکت و طبقات پیشه ور و روستایی را اساسا ایرانیان تشکیل می دادند). ولی به هر حال ایرانی بودند. آن ها به دلیل پیشرفت نهایی و بسیار پیچیده در زمینه ویژگی های مسجد ایرانی، مبرز و کارآمد بودند: ویژگی خاص مسجد ایرانی یک شبستان و یا یک گنبدخانه و یا یک عبادتگاهی با یک ایوان و صحن چهار ایوانی بود که با تمام انواع خود از مسکن خراسان منشا میگرفت. نتیجه و محصول کار، ساختمانی بود به نام مدرسه- مسجد که شاید با استفاده از ویژگی های خاص ملی برای رقابت با مساجد فسادار و گسترده خلافت ساخته میشد. این نوع مسجد در منطقه اصفهان شکل گرفت و قدیمی ترین نمونه آن شاید مسجد جامع زواره باشد. گذار (۱۹۶۲ م) عقیده دارد که معماران مسجد جامع اصفهان که از آثار باشکوه معماری سلجوقیان بزرگ است، در موقع ایجاد صحن وسیع چهار ایوانی آن، مدرسه خرچرد را که به دستور نظام الملک وزیر ساخته شده بود الگوی خود قرار دادند. یکی از ایوان ها، ورودیه را تشکیل داده است؛ ایوانی که محور ایوان اولی است با تالار گنبد داری که حاوی محراب) و نمایان گر شبستان است ادامه یافته است. یکی دیگر از مساجد دوره سلجوقی با صحن چهار ایوانی، مسجد جامع اردستان است که در حدود سال ۵۵۳/۱۱۵۸ بر روی خرابه های آتشکده گنبدی ساخته شد؛ این مسجد دوباره تزیین شد و با یک صحن چهار ایوانی که ایوان جنوبی آن بسیار چشمگیر است، تکمیل گردیده. پلان اصلی مسجد هرات که کمی بعد از آن ساخته شد (آغاز قرن سیزدهم/پنجم) حاوی دالان هایی است که نظیر کاخ پارتیان در آشور، را در برگرفته است. در مسجد جامع قزوین (شروع در قرن دوازدهم/ششم) ایوان بزرگی در جلوی شبستان گنبد دار قرار گرفته که یادآور پلان تالارهای بارعام کاخ های ساسانی است. این دو مسجد نشانه ای از کاربردی لابنقطع سنن ملی ایران در زمینه معماری است. چنانکه قبلا اشاره شد، اختیاباس گنبد دو پوسته مسئله ای را پیش کشید. برخی از محققین از جمله مونره دوویلار (۱۹۶۲: 45) منشا آن را در پرستش گاه بودائی آسیای مرکزی جستجو می کنند. ولی در این مورد نباید فراموش کرد که در معماری آسیای مرکزی ساختمان ها و بناهای سنگی بیشتر مورد توجه بود و لوازم و ملزومات ایستای این دو سرزمین بسیار فرق داشت، چنانچه مواد و مصالح ساختمانی مورد استفاده در آسیای مرکزی نسبت به آجر پخته ایران در حد پایینی قرار داشت. به هر حال سلجوقیان در کاربردی گنبد دو پوسته دقت زیادی کردند و نوع جدیدی از پایه را برای آن تدارک دیدند یعنی سه پره را که مرکب از دوپره نوک تیز جانبی بود و پاکار قوس روی سومی قرار میگرفت. بالاخانه های جانبی که بخشی از سنگینی گنبد های ساسانی را تحمل میکرد، از بین رفت و به جای آن در بالای سطح سه کنج ها یک رشته قوس شانزه تایی قرار گرفت که منطقه انتقال به پایه منور گنبد را ایجاد میکرد، شکل می داد. علت وجودی گنبد دو پوسته، فضای داخلی و غالب خا رچی بود. گنبد داخلی نیمکره ای بود و حال آن که گنبد بیرونی شکل بیضوی نسبتا نوک تیزی داشت. (مونره دوویلار، ۱۹۶۲: ۴۹). راه حل های سلجوقیان در زمینه گنبد سرآغازی برای آینده معماری ایران، به ویژه معماری دوره تیموریان بود. پیشرفت برجسته سلجوقیان در این قلمرو شاید گنبد مسجد جامع اصفهان باشد (۴۸۵/۱۰۹۲) و شرویدر در سال ۱۹۳۸ م آن را «از نظر الهام بسیار قدرتمند و از حیث محاسبات ریاضی، دقیق و سنجیده و از لحاظ مکانیک، کامل و بی نقص» توصیف کرد. برای تکمیل ساختار مسجد چهار ایوانی نوع جدیدی از مناره رواج یافت که مرکب از تنه استوانی بلند و باریک و با یک پایه مربع شکل بود. نمونه هایی از این نوع مناره در آغاز قرن یازدهم/پنجم پدید آمد و پایه آن نیز هشت گوش و ستاره شکل بود. ولی این نوع مناره در قرن دوازدهم/ششم رواج کامل یافت و برای زیبایی و گیرائی آن نیز از آرایش آجری با نقوش هندسی استفاده شد و از مناره های برجسته یکی مناره دامغان (۱۰۰۲۶-۴۱۷/۳۰-۲۱) بود؛ و مناره زواره (در ۴۶۰/۶۸) و مناره چهل دختران در اصفهان (۱۱۰۷-۵۰۰/۸-۵۰۱) و



بعداً مناره جرگورگان (که تنه آن به جای نمای ملایم، از تعدادی نیمه استوانه‌های هم کنار در اطراف تنه مناره تشکیل شده بود که در قسمت فوقانی یک رشته قوس‌های کوچک بدان متصل میشد.) نیز قابل ذکر است (آژند، ۱۴: ۱۳۷۶). نخستین تلاش برای تزیین رنگی معماری (که بعدها از موفقیت زیادی برخوردار شد) در گنبد خاکی مسجد جامع اصفهان، به تاریخ حدود ۴۸۱/۱۰۸۸ دیده می‌شود و در آن داخل طاقچه‌ها با مقرنسهایی که از مواد مختلف رنگی تشکیل شده (سنگ خاکستری، آجر طبیعی، سنگ سیاه و غیره) تزیین یافته است (آژند، ۱۳۷۶: ۱۷) بطور خلاصه می‌توان اظهار داشت که دوره سلجوقی نمایانگر نوعی از توازن و تعادل برای معماری ایرانی بود که از تجارب معماری پیشینه ایران مایع گرفت و الگوهای جدیدی هم برای آینده تثبیت کرد. ویژگی چشمگیر ساختمانهای این دوره بهره‌گیری مهارت از آجر بود و معماران ایرانی در این بهره‌گیری مهارت حس‌پذیری خود را به نمایش گذاشتند. بهره‌گیری پیشین از (۱۹) رویه کاری‌های گچی بر روی دیوارهای بیرونی و نیز در داخل (برای پوشاندن نا مرغوبی مصالح ساختمانی) قطع شد، گواينکه بعدها بار دیگر احیا گردید. استفاده از گچبری برای مدتی به بعضی از بخش‌های ساختمان از جمله محراب و قرنیزها محدود شد. گفته شده که گچ نوعی تبدیل معماری است؛ بالعکس در معماری سلجوقی عناصر جنبی قابل رویت بود، گوئی که به سطوح منتقل شده است. خود سطوح با جایگیری ظریف آجرهای عالی برای شکل‌گیری نقوش هندسی، بر طبق سبک دقیقی که بسیار مناسب خطوط مرزی ساختمان‌ها بود، به صورت ویژگی‌های تزیینی جلوه می‌یافت. سبک اصلی نیز خلاقیت چشمگیری را در طرح‌ها و در خوشنمایی، بازی دقیق سایه روشن در نقوش قیطان‌گونه و پیش‌آمده آجرها به نمایش می‌گذاشت؛ همه اینها را توانائی و قدرت تکنیکی واقعاً اعجاب‌انگیزی نگه می‌داشت. خط و مسیر توسعه معماری از آرامگاه اسماعیل گرفته تا معماری غزنوی و خلاقیت‌های عالی سلجوقی از همین فن و تکنیک پیروی می‌کرد. تکنیکی که از حیث کمال حجم هندسی و پایداری سطوح بی‌ظنیر و بی‌همتا بود. تاثیر آن هنوز به شدت حس می‌شود؛ معماران عصر جدید ایران که آرامگاه ابن سینا را در سال ۱۹۵۲م. در همدان ساختند (البته با روح و تفسیر جدید) از قوالب گنبد قابوس بهره می‌گرفت (آژند، ۲۰: ۱۳۷۶) ظاهراً از میان سنت‌های محلی مربوط به دوران قدیمی است که معماران سلجوقی روش کلی این بازلیک‌های پوشیده از طاقهای کوچک روی رگه را که کاروانسرای «اورتما» نمونه‌ای از آن است، به عاریت گرفته‌اند. از میان کشورهای مسیحی، ارمنستان رونق زود گذر خود را مدیون حمایت خلافت بود؛ شاید که هنر ارمنستان انعکاسی از هنر بغداد باشد، ولی در خود منطقه بغداد، تهاجمات سلجوقیان و خصوصاً چپاول‌گری‌های مغول در قرن سیزدهم، چیزی از خود به یادگار نگذاشته‌اند که امکان دهد تا خصوصیات معماری را ارزیابی نمود. بغداد در اواسط قرن هشتم و در اوایل قرن یازدهم، مرکز فکری جهان بود. بدون اندک تردیدی، در این مرکز میتوان پیوند بین مکتب‌های اسلام و پیوند آنان با ایران و شاید هم نفوذهایی را که به سوی غرب باز گردید، جست‌وجو کرد. در اینجا برای تاریخ کمبودی جبران‌ناپذیر وجود دارد.

تغییرات در گنبدسازی :

تاریخچه گنبدها به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- دوره گنبد‌های اولیه: گنبد با نیم رخ بیضی شکل خیلی برآمده که بر روی آویزه‌هایی به شکل خرطوم قرار دارد (بناهای ایران باستان).

۲- قرون دوازدهم و سیزدهم گنبد‌های مخروطی صاف یا کندویی، متعلق به معماری سلجوقیان.

۳- قرن چهاردهم گنبد‌های روی آویز با بسترهای افقی (مسجد حسن).



گنبد های مضاعف با تیغه های اتصالی که نمونه آن را در سلطانیه مشاهده کردیم، متعلق به همین زمان می‌باشند.

۴- قرن شانزدهم گنبد پیازی که از هند سرچشمه گرفت (۱۶۴).

تفاوت دیگر گنبدهایی که دوره اسلامی ساخته شدند. با آنها که در عصر ساسانیان بر پا گردیدند در این است که گنبدهای اخیر عموماً بر «خرطومی های زوایا» استوارند حال آن که گنبدهای اسلامی بر «سرتاقهای زوایا» تکیه زده اند و این روشی است که تا عصر جدید معمول بوده است. در حقیقت سرتاقهای زوایا که به دلیل سهولت و استحکام ساختمان آن بسیار رضایت بخش می نماید دارای نقص کوچکی بود که خرطومی های زوایا فاقد آن بودند. آنها در زاویه شبستان ها روزنه ی بزرگی به وجود می آورند که هماهنگی چندانی با گوشه ساختمان ندارد، ولی معمارهای چیره دست ایرانی این نقص را تبدیل به وسیله ای کردند برای تزئین هر چه بیشتر بنا، تزئیناتی که از عصر سلجوقیان به بعد بر تمام بنا حکومت کرد و به این ترتیب زوایای شبستان های گنبدی به صورت نقاطی در آمدند که بیش از همه تزئین می شدند. (زمانی ۹۰: 1392)

در ابتدا این روزنه های زوایه، که روشنایی، گردوخاک و پرندگان از آنجا به داخل نفوذ می کردند، توسط مشبک هایی بدان گونه که در مقبره اسماعیل سامانی می بینیم و یا به کمک دیوارهای نازک پر نقش و نگار نظیر بنای بست بسته شده اند. گاهی فی المثل در مرو و در مقبره سلطان سینجر- یک سلسله برجستگی های دندانان ایی شکل که زیر (۹۱) سرتاقیها ساخته شده موجب می شوند که ابعاد این روزنه ها به اندازه پنجره هایی کوچک شود. با این همه در عهد مغول هنوز بناهایی وجود داشت- مثل بنای خانقاه علاء الدوله سمنان که این روزنه های زوایادر آنه مسدود نشده بود. در تفت، در مسجد شاه ولی (متعلق به ۸۸۹ هجری= ۵-۱۸۴۴) و بعدها در آن قسمتی از مسجد علی اصفهان که در زمان سلطنت شاه حسین ساخته شد ترکیبات نبوغ آمیزی در قسمت زیر این کاخ ها ابداع شد که روشنایی اتاق ها و دهلیزهای واقع در طبقه ی اول این بناها را به صورتی طبیعی تامین می کرد. در اینجا مسئله خرطومی های زوایا مطرح نبود. ولی به طور کلی و از عصر سلجوقیان به بعد این دهانه ها را پس از ختم کار به کمک طاقچه هایی سبک مسدود کردند طاقچه هایی که با انواع تزئینات و بویژه مقرنسها آذین می شدند. می توان در قسمت خارجی دو گنبد سلجوقی مسجد جمعه اصفهان، نیز در (کیانی 1392: 92) مسجد اردستان و مسجد برسیان و بناهای دیگر، پشت این طاقچه ها را که در قسمت هشت ضلعی بنا برجسته می نماید مشاهده کرد نمای مقبره منسوب به طاووس در ابرقو مسجد عبدالله نایین و مقبره شیخ لقمان در سرخس به خوبی نمایانگر حالت و سبکی این طاقچه‌ها همانگونه که مشاهده می کنیم این طاقچه‌ها غالباً سوراخ شده و یا فرو ریخته‌اند بدون آنکه این ریزش لطمه‌ای به گنبد وارد سازد به همین امر نشانگر آن است که آنها فقط جنبه تزئینی داشته اند. نتیجه آن که خرطومی های زوایا دیگر محلی نداشتند یا اگر به این طاقچه های سبک خرطومی اطلاق کنیم، خرطومیهایی که نقشی در استحکام بنا داشته باشند بندرت مشاهده می شدند (کیانی 1392: ۹۳).

مسجد جامع اردستان

مسجد جامع اردستان بنایی تاریخی در شهر اردستان واقع در شمال استان اصفهان است. معمار بنا استاد محمود اصفهانی است. این مسجد در مرکز محله محال اردستان واقع شده و از کهن ترین مساجد ایران می‌باشد که نخستین مسجد دوطبقه تاریخ اسلام و دومین مسجد چهار ایوانی جهان اسلام است که در دوره سلجوقی ایجاد گشته است.

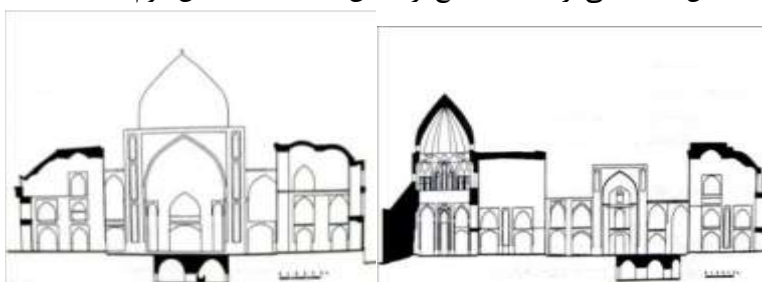


مسجد جامع اردستان از مساجد بسیار زیبای دوران سلجوقی به شمار می رود. این مسجد دارای شبستان و گنبد آجری و ایوان بزرگی است، در طرفین شبستان های بزرگ شبستانهای کوچکتری ساخته شده و صحن در آن دارای ایوان و غرفاتی است. در این مسجد که بناهای آن از اواخر قرن چهارم هجری ساخته شده و سپس در قرن بعد تکمیل گردیده کتیبه های کوفی و ثلث متعددی که گچبری شده وجود دارد. مرمت و تزیین شبستان بزرگ و ایوان و صفا های طرفین آن به همت ابو طاهر حسین فرزند عالی فرزند احمد در سالهای ۵۵۳ تا ۵۵۵ هجری و به سرپرستی استاد محمود اصفهانی انجام یافته است. گذشته از ایوان جنوبی این مسجد دارای سه ایوان به شرح زیر می باشد:

۱- ایوان شمالی بنام (صفا) ۲- ایوان غربی بنام (صفا امام حسین) ۳- ایوان شرقی بنام (صفا امیر جمله). در ایوان جنوبی مسجد بر لوح سنگی فرمانی از زمان شاه عباس کبیر مورخ به سال ۱۰۲۴ هجری قمری در باب تخفیف مالیات شیعیان اردستان نقش شده است. در قسمت شمال غربی مسجد مناره آجری کوتاهی دیده می شود. در ایوان شمالی که بنام صفا خوانده می شود طبق کتیبه مورخ به سال ۹۴۶ ه.ق در زمان شاه طهماسب صفوی تجدید و تعمیر شده است. کاربرد ایوان های با شکوه در نمای اصلی بناهای دوران بعد از اسلام نمودار چشمگیر دیگری از ادامه پدیده های معماری پیش از اسلام ایران است که معماران آن را از درون قصرها بیرون کشیده و در جلوه بخشیدن به سایر بناها به خدمت گرفته اند (بزرگ نیا ۱۳۸۳: ۵۶ و ۵۷).



شکل (۱): نمایی از مسجد جامع اردستان، (گنجنامه، بخش دوم، ۱۳۸۳)



شکل (۲): برش طولی و عرضی مسجد جامع اردستان، (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۱۹۹)



مساجد سلجوقی

تجربیات آزمایشی معماری ایرانی در دوره سلجوقی به خصوص در بین سال های ۱۰۸۰/۴۷۳ و ۱۱۶۰/۵۵۰ متبلور گشت. کانون توجه در مساجد بزرگی که در این دوره ایجاد شدند و یا گسترش پیدا کردند (نظیر مسجد اصفهان و اردستان) عبارت از گنبدخانه ای که محراب را در بر می گیرد و همچنین ایوان جلوی آن است. این واحد مزدوج معمولا با شبستان های طاق و چشمه ای در طرفین هم جوار می شود. این ترتیب توزیع فضایی که واژگان معماری کاخ سازی و مذهبی ساسانی را برای اهداف و مصارف نوینی به کار می گیرد (قیطاسی ۱۳۸۹: ۳۱)، آخرین تغییرات نمازخانه را در مساجد ایرانی عرضه می دارد. ایوان نمازخانه (گنبدخانه) رو به حیاطی باز می شود که ایوان های دیگر در مرکز هر محور آن قرار دارد، تا توالی منظم رواق های اطراف حیاط را قطع کند. این رواق با ترکیب دو طبقه خود اهمیت تازه ای را به لحاظ معماری نما به دست می آورند. با این همه بدیهی است که گنبدخانه، همانطور که در برسیان می بینیم، به عنوان کانون توجه باقی می ماند. سادگی نوع چهارطاقی ساسانی، با توجه به بازشدگی های متعدد در دیوارهای پایین تر و پیچیدگی بخش انتقال گنبد (از مربع به دایره) دیگر به سختی در گنبد های حجیم مقصوره سلجوقی قابل تشخیص است. بانی این (قیطاسی ۱۳۸۹: ۹۵) بناها معمولا های سیاسی هستند. چنین تمرکزی بر روی گنبدخانه شاهزادگان یا شخصیت های سیاسی هستند چنین تمرکزی بر روی گنبدخانه معمولا به بهای (کم توجهی) به بقیه مسجد تمام شده است. (مسجد گلپایگان ۱۱۱۵/۵۰۹ مترجم). بدین طریق ترکیب جدید شکل های قدیمی، نسخه کلاسیکی از طرح قدیم چهار ایوانی حیاط به وجود آورد. همین نسخه در سده های آینده بر معماری ایرانی تسلط یافت و نه تنها در سایر انواع بناها نظیر مدارس و کاروانسراها، بلکه در سایر مناطق جهان اسلامی از مصر و آناتولی در غرب تا آسیای میانه و هند در شرق گسترش یافت. بدین ترتیب بود که مسجد چهار ایوانی به تدریج مسجد غالب در شرق جهان اسلام شد (شیرازی ۱۳۸۳: ۹۸). مناره های دو قلوی ایوان سردر که برای اولین بار در دوره سلجوقی (نخجوان، ۱۱۸۶/۵۸۳؛ اردستان، مسجد امام حسین ۱۱۵۸/۵۵۳) با آنها مواجه می شویم در سده های بعد بدون وقفه و دارای تزئینات پرکارتر و بزرگتر شدند. مسجد جامع اشترجان ۱۳۱۵/۷۱۵؛ یزد ۱۴۴۲/۸۴۶. نمونه هایی از این نوع جایگزین در طرفین ایوان مناره هایی استوانه ای و منفرد و آزاد شد که در دوره سلجوقی متداول می شود. (شیرازی ۱۳۸۰: ۹۹)

نتیجه گیری

- 1- در دوره سلجوقی تغییرات بنیادین در معماری مساجد رخ داد که در دوره های بعد این تغییرات کامل تر شد از جمله این تغییرات عبارتند از:
 - 1- رواج گنبد های دوپوسته مخروطی یا صاف که برای اولین بار در این دوره رایج شد در مساجد اردستان و زواره قابل مشاهده است.
 - 2- دو طبقه شدن مساجد برای اولین بار در مسجد اردستان به چشم می خورد.
 - 3- رواج تزئینات کاشی کاری از جمله ابداعاتی است که در ابنیه دینی ایرانیان در دوره سلجوقی به عمل آمد، که تاثیر تزئینی خود را بیش از همه در نحوه پوشاندن سطوح با کاشی، بر جای گذاشت.



4- ساختن مناره‌های دوقلو و قرارگیری در کنار ایوان اصلی. بطور کلی مسجد سازی دوره سلجوقی تلفیقی از چهار عنصر اصلی است که عبارتند: از مکان مرکزی و مسقف، گنبد، ایوان و صحن. بخش مرکزی صحن فراخی است که دورادور آن را رواق‌ها محیط کرده‌اند. در زمان سلجوقیان سبک جدیدی از معماری مساجد از توسعه و تکمیل چهار تاقی ساسانی ظهور می‌یابد که از آن پس عنصری مهم در معماری اسلامی می‌شود و آن نقشه چهار ایوانی است که ایوان رو به روی محراب بزرگتر است. مساجد دوره سلجوقی تحول تدریجی الگوی کلی مساجد ایرانی را نشان می‌دهند، ولی وحدت ترکیب در این نوع مسجد در اواخر این دوره به وقوع پیوست.

2- مسجد جامع اردستان از مساجد بسیار زیبای دوران سلجوقی به شمار می‌رود. این مسجد دارای شبستان و گنبد آجری و ایوان بزرگی است. در این مسجد شروع تغییرات در معماری مساجد را به وضوح مشاهده می‌کنیم از جمله این تغییرات گنبد دوپوسته، دو طبقه شدن مسجد و تزئینات ساده مسجد است.

منابع:

- 1- هیلین برند، روبرت، (1380)، معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، انتشارات روزنه.
- 2- کاتلی، مارگریتا، هامبی، لوئی، (1376)، هنر سلجوقی و خوارزمی، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی.
- 3- کیانی، محمد یوسف، (1392)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، انتشارات سمت.
- 4- بزرگ نیا، زهره، (1383)، معماران ایران از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- 5- کونل، ارنست، (1347)، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، انتشارات ابی سینا.
- 6- زمانی، عباس، (1390)، تاثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، نشر اساطیر، چاپ اول، تهران.
- 7- ایهام پوپ، آرتور، (1388)، معماری ایران، ترجمه زهرا قاسم علی، نشر سمیرا، چاپ اول، تهران.
- 8- مارتین، هانری، هوگ، ج، (1375)، سبک شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
- 9- گرابر، اولگ، ودیگران، (1389)، معماری اسلامی، ترجمه اکرم قیطاسی، انتشارات سوره مهر، چاپ اول تهران.
- 10- پیرنیا، محمد کریم، (1387)، معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران، نشر سروش.
- 11- مجموع نویسندگان، (1383)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، بخش دوم، تهران، دانشگاه شهید بهشتی و انتشارات روزنه.

12_de Villard ,monneret.1962.the relation of Manichean art iran art.spa.III.PP.



کنفرانس پژوهش های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران

Research Conference Architecture and Urbanism Islamic history of Iran

